

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

داستان های مثنوی

با نشر روان

مهدی سیاح زاده

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

برگرفته از کتاب « پیمانۀ و دانۀ »

مهدی سیاح زاده

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - ۳ جلد - ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - ۶ جلد - ۱۳۹۶ (۲۰۱۷)

انتشارات مهر اندیش - تهران - چاپ پنجم - ۱۳۹۹ (۲۰۲۰)

راه را بر ما چو بُستان کن لطیف
منزل ما، خود تو باشی ای شریف
۲۵۵۳/۲

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

(دفتر دوم از بیت ۲۱۴۱)

یکی از صحابه ی حضرت رسول اکرم بیمار بود. پیامبر بنا به خلق و خوی بزرگوارانه خود به عیادت او رفت. زیرا عیادت از بیمار محاسن بسیار دارد: اگر او دوست باشد، می تواند دوستی را مستحکم تر کند و اگر دشمن باشد، ممکن است به دوست مبدل شود و یا حداقل کینه اش تخفیف یابد.

هنگامی رسول خدا به بالین او رسید که نزدیک به جان دادن بود. پیامبر او را نوازش فرمود و همین شفقت پیامبر، در او اثر گذارد و سبب بهبودی او شد. بیمار گفت: بیماری من این بخت را برایم پدید آورد که شاه دین به دیدار من به خانه ام آمد و به یمن قدم او بود که بهبود یافتم. چه فرخنده رنج و دردی بود که سبب درخشیدن این نور رحمت بر من و خانه ام شد.

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

زنده شد او چون پیمبر را بدید
گویا آن دم مر او را آفرید
گفت: بیماری مرا این بخت داد
کآمد این سلطان بر من بامداد
۲۲۵۳/۲

پیغمبر پرسید: آیا غذای زهر آگین خوردی و یا
دعایی کردی که به این روز نزار گرفتار شدی؟
بیمار گفت: غذای بیماری زایی نخوردم، اما نور
حضور تو سبب شد ذهنم روشن شود و به خاطر آوردم که
بیماری من ناشی از دعایی است که عاجزانه به درگاه خدا
عرض کردم. و آن این که: ای رسول خدا، تو ما را همواره از
ارتکاب به گناه بر حذر می داری. چنان از عذاب جهنم و
جزای سختی که خداوند بر بندگان گناهگار خود خواهد داد،
سخن می گویی که من بینوا همواره از دچار شدن به عذاب
آخرت وحشت دارم.

از تو تهدید و وعیدی می رسید
مُجرمان را از عذاب بس شدید
مُضطرب می گشتم و، چاره نبود

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

بند محکم بود و قفل ناگشود

۲۴۶۵/۲

این است که به درگاه خدا دعا کردم که: بارالها، اگر گناهی از من سر زده است، عذاب آن را در همین دنیا بر من روا دار و مرا در آن دنیا از عذاب و جزای خود عفو فرما.

من همی گفتم که یارب آن عذاب

هم درین عالم بران بر من شتاب

تا در آن عالم فراغت باشدم

در چنین درخواست حلقه می زدم

این چنین رنجوری پیدام شد

جان من از رنج، بی آرام شد

۲۴۷۵/۲

به نظر می رسد که باری تعالی دعای مرا مستجاب کرده، عذاب آن دنیا را با این بیماری بر من ارزانی داشته است. پیامبر خدا فرمود: ای مرد مؤمن، بجای این دعای سخت، بهتر بود به خدا عرض می کردی که: ای آسان کننده

دشواری ها: «رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَاعِ عَذَابِ النَّارِ»^۱

آتِنَا فِي دَارِ دُنْيَانَا حَسَنَ
آتِنَا فِي دَارِ عُقْبَانَا حَسَنَ
راه را بر ما چو بُستان کن لطیف
منزل ما، خود تو باشی ای شریف
۲۵۵۲/۲

شرح مختصر

مولوی در لابلاي این داستان ، نه داستان کوتاه و بلند دیگر را نقل می کند که در اغلب آن ها بیشتر موضوع اتحاد و پیوستگی به پیر و مرشد و وفای به عهد تأکید شده است . مبنای این داستان هنگامی شکل می گیرد که مولوی در ادامه داستان پیش (اعتماد کردن بر تملق خرس)، زیان های ناشی از

^۱ - قرآن مجید - آیه ی ۲۰۱، سوره ی بقره. معنی آیه: «پروردگارا در این دنیا خیر و نعمت بر ما عطا فرما و در سرای آخرت نیز خیر و رحمت خود را به ما ارزانی فرما و از شکنجه آتش دوزخ ما را دور نگاه دار.»

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

پیروی از نفس و اعتماد به ابلهان را بر می شمرد و به آنجا می رسد که می گوید دوستی با ابلهان کاری ناصواب است، زیرا دوستی آنان اغلب موجب آزار و اذیت می شود. (همانطور که دوستی خرس سبب کشته شدن آن مرد دلاور گردید.) و مهم تر از این، عهد و پیمانی که آدم احمق می بندد، سست و بی پایه است. چرا این گونه است؟ زیرا که افسار زندگی عاطفی و روانی احمق ها را نفس، جابرانه به دست گرفته. بنا براین وقتی سوگند می خورد، با هر تمایل نفس، می تواند بدقولی و بد عهدی کند.

نتیجه این که ابلهان تا هنگامی که نفس شهریار وجود آن ها است، نمی توانند با خدا و انبیاء و اولیاء پیوندی داشته باشند. اما اگر کسی کوچکترین رشته ای از ایمان به حقانیت حق و پیامبران و اولیاء الله در درونش باشد، عهد و وفای او، وی را به آن منبع خیر و برکت متصل می کند و همین مایه ی رستگاری او می شود. پس از بیان این موضوع است که مولوی همین داستان «عیادت رفتن حضرت رسول» را نقل می کند تا نشان دهد که وفاداری به عهد و پیمان و نیز داشتن ایمان به

داستان عیادت رفتن حضرت رسول

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

حق، می تواند نه تنها جسم و روان انسان را سالم نگاه دارد، بلکه سبب بهبودی بیماری شخص را فراهم سازد.

پیام بسیار مهم دیگری که مولوی در این داستان دارد این است که برخلاف نظر بسیاری از دینمداران متعصب، لذت دنیوی هیچ مغایرتی با سعادت اُخروی ندارد. این طور نیست که اگر در این دنیا محرومیت نداشته باشی، اگر در خوشی خوشحالی و نعمت و جلال باشی، اگر از همه ی نعمت های این جهان بهره مند شوی، حتماً در آن دنیا جزای بد خواهی دید. مولوی از زبان پیامبر این پیغام اساسی را می دهد که: «رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» «پروردگارا در این دنیا خیر و نعمت بر ما عطا فرما و در سرای آخرت نیز خیر و رحمت خود را به ما ارزانی فرما و از شکنجه آتش دوزخ ما را دور نگاه دار.»
